

بصیرت دست‌یافتنی

از وقتی بیدار می‌شویم تا هنگامی که شب به خواب می‌رویم، در اطرافمان پدیده‌های متعدد و گوناگونی شکل می‌گیرند. ممکن است بعضی از این پدیده‌ها توجه ما را به خود جلب کنند یا از کنار خیلی از آن‌ها به راحتی عبور کنیم. تعدادی از آن‌ها تکرار شوند و تعدادی هم فقط یک بار اتفاق می‌افتند. تاکنون به حکمت این همه پدیده در اطراف خود فکر کرده‌ای؟ به نظر تو ربطی بین زندگی شخصی هر فرد، طبیعت و پدیده‌های اطرافش وجود دارد؟ برای برقراری ارتباط با این پدیده‌ها چه باید کرد؟

■ سر کلاس ریاضی هستی و معلم سؤالی می‌پرسد و تو پاسخ درستی به آن می‌دهی. او در جمع تشویق می‌کند و تو هم ته دلت غنچ می‌رود و کلی ذوق می‌کنی. دل توی دلت نیست تا زودتر به خانه برسی و برای مادرت این صحنه باشکوه را تعریف کنی.

■ توی کلاس تاریخ در عالم هبروتی که یک‌دفعه می‌بینی مورچه‌ای روی دیوار یک تکه نان خشک را به دوش می‌کشد و خلاف جاذبه به بالا می‌رود.

■ صبحانه نخورده‌ای و زنگ اول ورزش دارید. سرت گیج می‌رود و مجبوری حرکتهای معلم ورزش را تکرار کنی! یاد حرفهای مادرت می‌افتی که سر سفره صبحانه خواهش می‌کرد چند لقمه نان و پنیر بخوری!

■ سر جلسه امتحان عربی هستی. هرچه به مغزت فشا

● کل هستی و کائنات که به فرمان الهی مسیر خود را با نظم خاصی طی می‌کنند

● اتفاق‌هایی که در زندگی دیگران می‌افتند و ما فقط از تجربه آنان استفاده می‌کنیم

منابع آموزی عبرت

● اخلاقیات و روحیات شخصی خودمان که همیشه با ماست و عملکرد مثبت و منفی زندگی ما را به وجود می‌آورد

● اتفاق‌هایی که در تاریخ گذشتگان می‌خوانیم

● پدیده‌هایی که در زندگی جانداران وجود دارند

می‌گیری، چکار می‌کنی؟ آیا شده که روی کارهایت فکر کنی و نقاط قوت و ضعف در هر موضوع را یادداشت کنی، تا در صورت تکرار شرایط مشابه و به‌کارگیری تجربه‌های پیشین، از وقوع آن اتفاق خوش‌حال و راضی باشی؟! نیازی نباشد تا اطرافیان به‌خصوص پدر و مادر نصایح گذشته را یادآوری کنند؟! در درونت احساس غرور کنی از اینکه توانسته‌ای با تأمل و تجزیه و تحلیل روی رفتارت، آن را بهبود ببخشی؟!!

یک گام فراتر، اتفاقی است که برای دوست افتاده و تو با فکر و تدبیر، از تجربه شیرین یا تلخ او، در زندگی و شرایط مشابه، به بهترین شیوه برای اصلاح کارهای خودت استفاده کرده‌ای!

می‌آوری تا معنی واژگان عربی را به خاطر بیاوری، همه را پاک فراموش کرده‌ای. ته دلت احساس عذاب وجدان داری. آخر این چندمین بار است که سر امتحان عربی این اتفاق می‌افتد، ولی چه سود! هر بار سر جلسه تصمیم گرفته‌ای که بعد از امتحان واژگان را بخوانی و حفظ کنی، ولی باز تنبلی به تو اجازه نداده است!

■ توی بحث‌های کتاب دین و زندگی می‌خوانی که فلسفه آمدن فصل بهار پس از زمستان سرد و سخت، نوید زندگی دوباره و زنده شدن در قیامت است. فکر می‌کنی این دو چه ارتباطی به هم دارند؟!!

و کلی اتفاق‌های ریز و درشت دیگر که حامل پیام‌های مهمی به ما هستند. وقتی در شرایط بالا و مشابه آن قرار

صاحب بصیرت باشیم

در واژگان فارسی، کلمه «عبرت» به معنای پند گرفتن، ارزیابی کردن و سنجیدن است. بزرگان و حکیمان معتقدند هر آنچه خدای مهربان در این گستره هستی خلق کرده است، بی‌هدف و بی‌دلیل نیست. تمام اجزای عالم در کنار هم مجموعه‌ای برای رشد و کسب معرفت انسان می‌سازند. کلید رسیدن به این رشد، تفکر و تدبیر در این نشانه‌ها و پدیده‌هاست تا موجب عبرت‌آموزی شود. خدا روز و شب را زیر و زبر می‌کند (و بی‌گمان در این جریان برای صاحبان بصیرت همچنان (درس) عبرتی است. سوره نور، آیه ۴۴

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دقتی است معرفت کردگار

سعدی

امام علی(ع) می‌فرماید:

■ هر که نادانی ورزد، پند گرفتنش اندک است
(غررالحکم: ۷۸۳۷).

■ عبرت گرفتن، هشداردهنده‌ای صادق است. کسی که بیندیشد، عبرت گیرد و کسی که عبرت گیرد (از گناهان و عوامل مهلک)، کناره گیرد و کسی که کناره گیرد، سالم ماند (منتخب میزان الحکمه ۳۹۶۹).

■ هر که عبرت گیرد، بینش یابد و هر که بینش یابد فهمیم گردد و هر که فهمیم گشت، دانا شود (نهج‌البلاغه: الحکمه ۲۰۸).

■ چه بسیارند عبرت‌ها و چه اندک‌اند عبرت گرفتن‌ها!
(نهج‌البلاغه: حکمت ۲۹۷).

■ اگر از عمر گذشته خود - که تلف کرده‌ای - عبرت گیری، بی‌گمان باقی‌مانده عمرت را پاس داری (غررالحکم: ۷۵۸۹).

